

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

---

# کتابخانه حقوق :

نگاهی به روابط دختر و پسر از دریچه اخلاقی و اسلامی

تهیه کننده: امید محمدی مقدم

نام استاد راهنما: جناب آقای رجایی

درس اخلاق اسلامی

آموزشکده فنی قوجان

## فهرست

### نگاهی به روابط دختر و پسر از دریچه اخلاقی و اسلامی

الگوی از رفتار معقول دو جنس مخالف‌الگویی از رفتار معقول دو جنس مخالف

الف) مدخل بحث

ب) طرح آیات مربوطه

ج) درس‌هایی از الگوی قرآنی در ارتباط دختر و پسر

د) جمع بندی و نتیجه گیری

عوامل زمینه ساز در ایجاد روابط نا سالم میان دختر و پسر

عوامل درونی و روانی

عوامل اجتماعی

عوامل اقتصادی

عوامل فرهنگی

روابط عاشقانه دختر و پسر

الف) تعریف عشق

ب) اقسام عشق

ج) کتمان یا اعلان عشق

د) علم قبل از عشق و بعد از آن

هـ) نتیجه گیری

ارتباط، علل، دلایل و راهکارها

الف) مدخل بحث

ب) علل و دلایل روابط دختر و پسر

ج) روابط دختر و پسر در مقام تجویز

## الگوی از رفتار معقول دو جنس مخالف الگویی از رفتار معقول دو جنس مخالف

نوشتار حاضر تحت عناوین زیر سامان یافته است :

### الف) مدخل بحث :

در مقدمه نوشتار ، برای ورود به بحث تأمل بر روی نکاتی چند در رابطه با مفهوم الگو ضروری می نماید :

۱) واژه الگو را مرحوم دهخدا در لغت نامه ، در معانی سر مشق ، مقتدی ، اسوه ، قدوه ، مثال ، نمونه آورده است . و در اصطلاح ، "آلن بیرو" ، الگو" را بدین نحو تعریف نموده است :

الگو آن چیزی است که شکل گرفته و در یک گروه اجتماعی به این منظور که به عنوان مدل یا راهنمای عمل در رفتارهای اجتماعی به کار می آید ، حضور می یابد . از دیدگاهی هم کارکردی و هم \_ روانی \_ اجتماعی باید گفت الگو ها آن شیوه های زندگانی هستند که از صوری فرهنگی منشأ می گیرند . افراد بهنگام عمل بطور طبیعی با این الگو ها سروکار دارند و اعمال آنها با این الگوها تطابق می یابند .

۲) واژه الگو ( pattern ) که کاربردی در علوم اجتماعی و تربیتی دارد ، از سوی بعضی

محققین معادل و مترادف واژه "اسوه" گرفته شده که در فرهنگ دینی و اسلامی مستعمل است .

مثلاً گفته می شود که "اسوه نیز همچون معادل فارسی الگو ، علاوه بر آنکه بر نمونه های عینی و مصادیق خارجی امور و مفاهیم اطلاق می شود ، به معنی طرحها و روشهای عمل و سلوک نیز می باشد . " و حال آنکه بعضی دیگر معتقدند که اگر اسوه ها را افرادی بدانیم که از افق های بلند و بسیار دور دست ، مردمان اعصار مختلف را تحت تأثیر خود قرار می دهند . در سطحی محدود تر می توان از الگوها یاد کرد که در محیط خویش با دیگران تفاوت دارند و می توانند نمونه های عینی برای سر مشق گرفتن نوجوانان و جوانان باشند.

۳) از جمله روشهای تربیتی برای ساختن و بازسازی جسم و جان افراد ، بهره بردن از روش " توجه دادن به الگوها است."

اگر چه الگوها می توانند " بد یا خوب باشند ، ولی در یک نظام تربیتی ، تمرکز و توجه به الگوهای خوب و حسن است . در این پژوهش نیز به عنوان الگوی حسنه " روابط دختر و پسر " از نگاه دینی به ترابط " موسی و دختران شعیب " توجه و تأکید شده است .

ضمناً معنای الگو در این پژوهش متفاوت از اسوه گرفته شده تا کلیه نقش آفرینان در این داستان بتوانند پند آفرین و مدل تربیتی باشند و واضح است که "موسای" قبل از پیامبری که در این نوشتار مورد تأمل قرار گرفته ، به تعریف الگوی متفاوت از اسوه نزدیک است . ( در قرآن مجید از دو پیامبر تحت عنوان اسوه یاد شده است . حضرت ابراهیم ، سوره ممتحنه / ۴ و پیامبر اسلام ، احزاب / ۲۱ )

#### ب) طرح آیات مربوطه :

بدنیست ، قبل از هر گونه داوری و تحلیل در روابط دختر و پسر ، الگوی منتخب در قرآن ، به نقل از ابن کتاب مقدس عیناً منعکس گردند . این داستان را می توانیم در سوره قصص از آیه ۲۳ به بعد ببینیم (۴) : داستان مربوط به زمانی است که حضرت موسی از شهر مصر با حال ترس و نگرانی از دشمن به جانب مدین بیرون رفت . در آیه ۲۳ / قصص می خوانیم " و چون به سر چاه آبی در حوالی شهر مدین رسید ، آنجا جماعتی دید که حشم و گوسفندانشان را سیراب می کردند .

و دو زن را یافت که دور از مردان در کناری به جمع آوری و اختلدها گوسفندانشان مشغول بودند . موسی به جانب آن دو رفته ، گفت شما اینجا چه کار می کنید ؟ گفتند که منتظریم تا مردان ، گوسفندانشان را سیراب کرده ، باز گردند ، آنگاه گوسفندان خود را سیراب کنیم و پدر ما مردی سالخورده است . "

در آیه ۲۴ / قصص اشاره شد که موسی گوسفندانشان را سیراب کرد و دست به دعا برداشت . در آیه ۲۵ / قصص آمده " موسی هنوز از دعا لب نبسته بود ، دید که یکی از آن دو دختر با کمال وقار و حیاء باز آمده گفت پدرم از تو دعوت می کند تا به منزل ما آیی و در عوض سقایت گوسفندان ما به تو پاداش

دهد. چون موسی نزد او ( شعیب ) و دختران رسید و سرگذشت خود را با شعیب حکایت کرد ، شعیب گفت اینک هیچ نترس که از شر قوم ستمکار نجات یافتی . " در آیه ۲۵ / قصص می خوانیم . " یکی از آن دو دختر ( صفورا ) گفت : ای پدر این مرد را به خدمت خود اجیر کن که بهتر کسی که باید به خدمت برگزید ، کسی است که امین و تواناست . " و در آیه ۲۶ / قصص آمده " شعیب گفت : من اراده آن دارم که یکی از دو دخترم را به نکاح تو در آورم ... " و در آیه بعد از پذیرش این عهد از سوی موسی سخن به میان آمده است .

اگر پذیرفته شده باشد که طرح داستانها در قرآن گزافه نبوده بلکه برای درس ، پند و عبرت است ، در اینصورت بازیگران و نقش آفرینان قصه ها و داستانها الگوهای خوب یا بدند و نقش آفرینان \_ مثبت ، الگوهای حسنه قرآنند . با این نگاه اکنون به درسهایی که از این الگوی حسنه قرآنی برای ارتباط دختر و پسر می توان آموخت ، می نشینیم .

#### ج ( درسهایی از الگوی قرآنی در ارتباط دختر و پسر :

۱) اگر در این داستان ، دختران شعیب ، الگوی دختران و موسی ، الگوی پسران در روابط دختر و پسر باشد حداقل دو الگوی ارتباطی در این داستان نفی می شود ، اول : الگویی که از ترابط آزاد و بی حد و حصر پسر و دختر دفاع می کند . زیرا دیدیم که نقل قرآنی دلیل آنکه دختران نخواستند با جنس مخالف براحتی اختلاط ، بلکه حتی ارتباط بگیرند .

دوم : الگویی که نفی مطلق ازتباط دختر و پسر می کند . این الگو نیز از نگاه قرآنی مردود است ، زیرا موسی وقتی دختران را در کنار چاه دید ، با آنها ارتباط کلامی گرفت و از مشکل آنها پرسید و این تعامل حکایت از مشروعیت از تباط کلامی بین دختر و پسر در صورت ضرورت و نیاز دارد .

پس الگوی مطلوب دینی در ارتباط دختر و پسر ، پذیرش ارتباط مقید و مشروط است ، نه نفی ارتباط مطلقاً و نه وجود هر گونه ازتباط مطلقاً .

در آیات دیگر از قیود تعامل دو جنس مخالف ، خودداری از نگاه ناروا است ، که از آن در سوره نور ۳۰ و ۳۱ به "غض" بصر یاد شده است . در قرآن فرمان و دستور آن نیست که زن و مرد و دختر و پسر

در ارتباط با هم "غمض" بصر که بستن چشم است ، داشته باشند بلکه فرمان ، غض بصر است که منظور کنترل چشم از نگاه خیره ، هوس آلود ، مریض و کنترل نشده است . و این نکته یعنی ارتباط مقید دو جنس از نگاه دینی .

۲) از جمله نکات بسیار مهم که در ترابط دختر و پسر در آیات مورد بحث مطرح شده ، شیوه راه رفتن دختر شعیب نزد موسی است . (گر چه مشهور آن است که شعیب این آیات همان شعیب پیامبر است ولی بعضی از علماء مثل عبدالله ابن عباس ، آنرا غیر از شعیب پیامبر می دانند )

در آیه ۲۶ / قصص این قید را "مشی با حیا" ( تمشی علی استحياء ) ذکر نموده است . در تعامل دختر با پسر مشی مبتنی بر حياء ، عفاف ، وقار ، متانت بسیار حائز اهمیت است . زیرا شیوه حرکت ، سبک سخن گفتن ، نحوه لباس پوشیدن حامل پیام است و در هر فرهنگی ، با مخاطبش سخن می گوید . لازم به توضیح است که برخورد متکی به " حیا " ، با برخوردهای غلط دیگر از اساس متفاوت است .

" حیا " یک صفت پسندیده اخلاقی است و عبارت است از کنترل ارادی رفتار خویش ، به منظور حفظ حریم بین خود و دیگران . حیا ، رفتاری است اختیاری و ارادی ، در حالیکه " شرم " ، یک نوع ناتوانی در اظهار وجود و ابراز خود است شرم و خجالت یک حالت هیجانی است که فرد در آن به شکل غیر ارادی ، از انجام عملی و یا بیان عقیده ای و یا حضور در جمع و جماعتی ، خودداری می کند . در چنین وضعی ، فرد مضطرب است و بر رفتار خود تسلط اندکی دارد و

حال آنکه در حياء فرد بر خود مسلط است . در حياء نیز فرد از انجام دادن اعمال و بیان گفتار و یا برخورد مستقیم با فرد یا افراد اجتناب می ورزد ، لکن این اجتناب و خودداری مبتنی است بر خونسردی، آرامش و هشیاری فرد . در چنین شرایطی ، فرد علی رغم توانایی در تحقق یک عمل ، بنا به دلایلی عقلانی ، از تحقق آن اجتناب می کند .

در آیه از حياء در رفتار دختر شعیب سخن به میان آمده، اما رعایت " حیا " در تعامل دختر و پسر مختص دختران نیست . چنانچه در روایات ذیل همین آیات ، وقتی که موسی به منزل شعیب از

طریق همین دختر فرا خوانده می شود ، می خوانیم که دختر برای راهنمایی از پیش او حرکت می کرد و موسی پشت سرش . باد بر لباس دختر می وزید و ممکن بود لباس را از اندام او کنار زند . حیا و عفت موسی اجازه نمی داد ، چنین شود . از این رو به دختر گفت : من از جلو می روم ، بر سر دوراهیها و چند راهیها ، مرا راهنمایی کن .

حاصل آنکه اولاً : دختر و پسر از هر گونه ارتباط نفی نشده اند و در صورت نیاز می توانند با هم سخن بگویند : ثانیاً : کلام ، لباس و شیوه رفتاری ، حامل بار معنایی است و زبان دارد . از این رو باید در رنگ لباس ، نوع آن ( تنگ ، کوتاه ، آستین نامناسب و ... ) ، کفش ، و انتخاب کلمات و طرز ادای آن ( با طنز و نرم و ... ) دقیقاً رعایت حیا را نمود ؛ ثالثاً : رعایت عفاف و حیا ویژه جنس خاصی نیست و پسر مهذب و دختر عفیف در ترابط هر دو باید رعایت همه جوانب آسیب پذیر به حیا و عفاف و وقار را بنمایند . رابعاً : مراد از حیا ، انزواگرایی ، کناره گیری و برخوردی مبتنی بر شرم نیست .

با این توضیح برداشت آنانی که ذیل آیه گفته اند " شاید یک داستان نویس امروز که پروای قلم و نوشتن نیز نداشته باشد در ترسیم این لحظه ( زمان مواجهه دختر با موسی برای دعوت کردن به نزد پدر ) به صورت گل انداخته از شرم دختر اشاره می کرد ، اما قرآن شرم را در گامهای دختر توصیف می کند ، نه در سیمای او . بی آنکه از دست و پا گم کردن ، توصیف و نشانی باشد . " این برداشت ناصواب است ، زیرا برخورد شرم آمیزی در کار نبوده تا قرآن از دستپاچگی دختر گزارش دهد ، بلکه برخورد مسلط و مبتنی بر حیا بوده است و آیه نیز بدان اشعار دارد و برخورد شرمگینانه در ترابط دختر و پسر مذموم است و حال آنکه گام برداشتن بر گستره حیا ممدوح و مطلوب است و این درسی است از آن الگوی قرآنی استنتاج می گردد .

۳) امروزه آنچه در سطح جامعه ما به عنوان مشکل اساسی در سطح خانواده و محیطهای آموزشی

رخ می نماید وجود روابط پنهانی بین دختران و پسران است . و حتی از جمله عوامل زمینه ساز در برقراری روابط پنهانی ، احساس رسالت برخی از دختران و پسران به منظور یافتن دوست برای یکدیگر است . در برقراری روابط پنهانی می باید به نقش عواملی که اولین پیوندها را ایجاد می کند و همین پیوندها موجبات استمرار روابط پنهانی را فراهم می آورند نیز به خوبی توجه کرد .

اما آیا از آیات مورد بحث و از این الگوی قرآنی در رابطه با معضل روابط پنهانی و راههای مواجهه با آن می توان درس و پندی آموخت؟ به نظر می رسد که آنچه که در منابع روایی آمده گره گشاست که چون آن دو دختر بر خلاف عادت هر روزه بزودی به خانه برگشتند و گوسفندان را با خود آوردند، پدرشان که از زود آمدنشان تعجب کرده بود، پرسید: چه سبب شد که امروز به این زودی بازگشتید؟ دختران گفتند: مرد صالحی بر سر چاه بود که با مشاهده وضع ما بر ما ترحم کرد و گوسفندانمان را آب داد و ما زود تر به خانه آمدیم.

به عبارت دیگر روابط پنهانی عمیق و کثیر یکدفعه شکل نمی گیرد. با برخورد اتفاقی، خصوصاً اگر در قالب رفع مشکل و حاجتی باشد که بر قلب و لسان آدمی اثر مطلوب بگذارد، به سمت روابطی گسترده تر و احیانا نامطلوبتر می رود. در اینجا از راههای آسیب زدایی در ارتباط دختر و پسر آن است که همان اولین برخورد، در فضای خانوادگی مطرح شده و افراد مجربتر و والدین سرد و گرم چشیده، راهنمایی های لازم را در اختیار نسل جوان قرار دهند. در صورتیکه دختر و پسر مشکلات و حوادث جدید و برخورد قابل توجه روزانه را با افراد مجربتر در فضای خانواده مطرح کنند و والدین نیز بتوانند نقش مفید، راهنما و سازنده ایفا کنند. با روابط پنهانی و ناسالمی که محتمل است متعاقب برخورد اول شکل گیرد، گرفته می شود.

البته واضح است که چنین اقدامی، اولاً: روابط صمیمی والدین و نوجوانان و جوانان را می طلبد. باید فرزندان محیط خانه را سالم، امن و قابل اعتماد احساس کنند تا درد دلها و مشکلات را با والدین در میان بگذارند. ثانیاً: والدین باید شرایط نسل بعدی را درک کنند و سعه صدر داشته باشند، تا واقعیتها را بشنوند و به راه حلها بیندیشند. این چنین اقدامی از «انقطاع نسلیها» در محیط خانواده جلوگیری نموده و ضمن ایجاد فضای سالم در نظام خانوادگی، به راه حلهای مطلوب نیز می رسند.

چنین پیامی را به وضوح از الگوی قرآنی روابط دختر و پسر می توان آموخت، زیرا دختران آنچه را که رخ داده بود با پسر جوانی در خانواده مطرح می کنند و پدر حکیمانه نسبت به آن عکس العمل نشان داد.

نه تنها دختران را در ارتباط گرفتن با آن پسر سرزنش نکرد، بلکه دخترش را به دنبال آن فرد صالح فرستاد و ...

۴) از نکاتی که در فرهنگ عامیانه ، ارزش تلقی نمی شود و شاید حتی ضد ارزش نیز قلمداد شود آن است که برای تشکیل زندگی مشترک ، دختری از پسری خواستگاری نماید . حال با توجه به الگوی قرآنی مورد بحث در ارتباط دختر و پسر ، پرسش اساسی آن است که آیا از نگاه دینی ، برای زندگی مشترک دختر در انتخاب شریک زندگی می تواند پا پیش بگذارد یا خیر ؟

#### در رابطه با پرسش حاضر چند نکته قابل بحث اند :

اول : ارتباط دختر و پسر حیطة عامی دارد که یکی از موارد و مصادیق آن روابط دختر و پسر برای ازدواج است .

روابط می تواند اداری باشد ( ارتباط دو همکار اداری یا یک فرد اداری با جنس مخالف از مراجعه کننده )

این تعامل می تواند تحصیلی باشد و ... اما ارتباط دختر و پسر برای رسیدن به زندگی مشترک ، ارتباط عمیقتر و حساستری است و از این رو در فتاوی فقهای علیرغم حساسیت های ویژه ، آزادی عمل زیادی را در ارتباط بین دو جنس مخالف پذیرفته است مثلاً امام خمینی درباره زن و مرد و پسر و دختر که برای ازدواج اقدام می کنند بر این باور بودند که « هر یک از زوجین می توانند بدن دیگری را با شرایط ذیل به منظور تحقیق ببینند : نگاه به قصد لذت و ریبه نباشد ؛ ۲) ازدواج متوقف بر این نگاه باشد ؛ ۳) مانعی از ازدواج این دو در میان نباشد . »

دوم : آنچه که از آیات مورد بحث به عنوان الگوی قرآنی تعامل ارتباط دختر و پسر استنباط می شود آن است که این یکی از دختران است که به پدرت گفت:

" یا أبت استأجره ، إن خیر من استأجرت القوی الامین " ( قصص / ۲۶ ) ، ای پدر این مرد را به خدمت خود اجیر کن که بهتر کسی که باید به خدمت برگزید ، که امین و تواناست .

و پدر با پذیرش این پیشنهاد ، به موسی طرح ازدواج با این دختر را باشرایطی مطرح کرد )

قصص / ۲۷ ) به عبارت دیگر ، در اصل دختر با ظرافت خاصی و به صورت غیر مستقیم ، پیشنهاد ازدواج با موسی را داد .

اینجاست که از آیه مورد بحث می فهمیم که دختران در گزینش همسر ، خصوصاً اگر فرد مناسب و ایده آلی را سراغ دادند می توانند و باید فعال باشند ولی اگر طرح مسأله را مستقیماً ، به مصلحت نمی دادند ، با تمهید مناسب و یا با واسطه ای ، پیشنهاد خود را برای مطلوب و محبوب خود مطرح نمایند .

پس خواستگاری دختر از پسر نیز مانند خواستگاری پسر از دختر هم " عقلاً " قابل دفاع است و هم " نقلاً " . و در نقل نیز آیات مورد بحث شاهی از کتاب خدا درباره خواستگاری مرد است . این تأیید را در سیره نبوی نیز مثلاً در داستان زیر می توان دید . داستانی که با اندک اختلاف در کتب شیعه و سنی آمده است ، از اینقرار : زنی آمد بخدمت پیامبر اکرم و در حضور جمع ایستاد و گفت : یا رسول الله مرا به همسری خود بپذیر . رسول اکرم در مقابل تقاضای زن سکوت کرد ، چیزی نگفت ، زن سر جای خود نشست . مردی از اصحاب بپا خاست و گفت : یا رسول الله ، اگر شما مایل نیستید ، من حاضرم . پیغمبر اکرم سوال کرد : مهر چی می دهی ؟ هیچی ندارم . اینطور که نمی شود ، برو به خانه ات شاید چیزی پیدا کنی و به عنوان مهر به این زن بدهی .... مرد خواستگار حرکت کرد برود ، رسول اکرم او را صدا کرد : آهای بیا . آمد . بگو ببینم قرآن بلدی ؟ بلی یا رسول الله ، فلان سوره و فلان سوره را بلدم . می توانی از حفظ قرائت کنی ؟ بلی می توانم . بسیار خوب درست شد . پس این زن را به عقد تو در آوردم و مهر او این باشد که تو به او قرآن تعلیم بدهی . مرد دست زن خود را گرفت و رفت " .

سوم : اما اینکه دختر شعیب به دو ویژگی موسی اشاره داشته و گواهی می دهد : یکی اینکه او قوی و نیرومند است و دیگر آنکه او امانتدار و مورد اعتماد است . این مدعای دختر خاستگاهش کجاست ؟ از چه رو او می تواند به چنین باوری رسیده باشد ؟ در این رابطه مفسرین از جمله گفته اند " قوت او را به هنگام کنار زدن چوپانها از سر چاه برای گرفتن حق این مظلومان و کشیدن دلو سنگین را یکه و تنها از چاه فهمیده بود و امانت و درستکاریش آن زمان روشن شد که در مسیر خانه شعیب ، راضی نشد ، دختر جوان پیش روی او راه برود ، چرا که ممکن است باد لباس او را جابجا کند . بعلاوه از خلال سرگذشت صادقانه ای که برای شعیب نقل کرد نیز قدرت او در مبارزه با قبطیان روشن می شود . هم امانت و درستگی او که هرگز با جباران سازش نکرد و روی خوش نشان نداد .

از این الگوی قرآنی در روابط دختر و پسر ، حداقل نکته ای که در بحث اخیر می توان آموخت آن است که در صورتیکه این ارتباط قرار باشد که به زندگی مشترک منتهی گردد ، باید طرفین به

ویژگیهای مناسب هم توجه کنند و این ویژگی ها باید جامع باشد هم خصایص مناسب جسمی ( در این آیه قدرت و قوی بودن مرد ) و هم خصایل مناسب روحی و اخلاقی ( در این آیه امانت و درستکاری ) را در برداشته باشد .

#### د ( جمع بندی و نتیجه گیری :

۱ ( طرح داستانهای قرآنی ، صرفاً مطرح کردن قصه و یا رمانی نیست ، بلکه بار هدایتی آنها مورد توجه است و باید غایات داستانها و جوهره آنها را یافت و سرلوحه زندگی قرار داد . اگر قرآن مجید کتاب انسان سازی است و اگر اسلام دین کامل است ، باید برای مسأله روابط دختر و پسر طرح ، ایده و الگو ارائه نماید و چنین کاری در سوره قصص صورت پذیرفته و با تأمل در ابعاد موضوع می توان برای شرایط حاضر نکات اساسی در تعامل و ترابط دختر و پسر آموخت :

۲ ( در این داستان قرآنی ، بازیگران و نقش آفرینان دو جنس مخالف هستند ، که هر دو فعالند ، طرفین هر دو پیامهای سازنده برای دیگران دارند . مرد داستان ، در نهایت لقب قوی و امین را از آن خود می کند و زن داستان ، صفت حیاء را به خود اختصاص می دهد و بر بال حیاء راه می رود :

۳ ( در این داستان اصل ارتباط دختر و پسر ، به عنوان یک ضرورت زندگی پذیرفته شده است ولی این ارتباط ، یک ارتباط عاطفی ، پنهانی و بی حد و حصر نیست و با قیودی مورد پذیرش قرار گرفته است .

۴ ( از نکاتی که از این الگو قابل استنتاج است اینکه دختر و پسر در روابط عادی و ضروری نه باید شرم بیجا داشته ، دستپاچه شده ، مضطرب شوند و نه باید پرخاشگری نموده و به یکدیگر اهانت کنند ، بلکه خوب است با شناخت از واقعیتهای جنس مخالف و از بین بردن ترسها ، دلپره ها ، هیجانها و

نیز احساس خصومت و خشونت نسبت به یکدیگر ، با خونسردی و صلابت شخصیت با جنس مخالف برخورد نموده و از رفتار سبک ، خودنمایی و جلب توجه جنس مخالف به وظایف محوله در اجتماع عمل کنند .

۵) اگر ارتباط دختر و پسر قرار است که به ازدواج منجر گردد ، مناسبتی ندارد که یک روابط پنهانی و مکتوم باشد ، بلکه با هماهنگ نمودن خانواده ها در شرایطی تا حد قابل توجهی می توانند از یکدیگر شناخت جسمی و روحی کسب نمایند . روابط پنهانی دختر و پسر آسیبهای فردی ، اجتماعی و ... دارد که باید از آن پرهیز نمود .

۶) در روابط سالم بین دو جنس مخالف . اصل نباید برتظاهر ، ریا و خودنمایی باشد . آنانی که سعی دارند با لباسهای بسیار ویژه ، آرایشهای آن چنانی و ... برای خود ایجاد جذابیت نمایند ، قطعاً از ضعفی درونی رنج می برند و بدینوسیله به دنبال جبران کاستی جسمی یا روحی خود هستند . وگرنه کسی که فضیلت جسمی ، عقلی و قلبی دارد ، چه ضرورتی دارد که با حرکات تصنعی در مقابل دیگران ظاهر شود ؟ شخصیتهای رشید ، خودبخود در ارتباط و تعامل برای دیگران به جهت فضایلشان زیبا جلوه می کنند . پس در ارتباط سالم دختر و پسر خوب است ، هر یک به دنبال آن باشد که توانایی های علمی ، هنری ، اخلاقی ، ورزشی ، رزمی و ... کسب نمایند و طبیعی ، قوی و سالم در مقابل یکدیگر ظاهر شوند .

### عوامل زمینه ساز در ایجاد روابط نا سالم میان دختر و پسر

ابتدا بایستی مراد و منظور از واژه رابطه فهمیده شود و سپس معیار و ملاک ما از اینکه به

مجموعه ای از روابط سالم و به مجموعه ای دیگر ناسالم می گوئیم چیست؟

رابطه واژه ای عربی است که در معنای تماس و وصل شدن به کار می رود و در گفتار روزمره به

مجموعه ای از رفتارهایی اطلاق می شود که در تماس با یکدیگر ابراز می کنیم.

رابطه و برقراری آن با دیگران فی نفسه محکوم به فساد و تباهی نیست و این، هدف و مقصود نهایی و غایی طرفین است که صفت سالم یا ناسالم بودن را به همراه خواهد داشت. این نکته را هم باید متذکر شد که در جوامع مختلف، بنا به نوع فرهنگ و آداب و رسوم و آموزه‌های ملی، تعاریف مختلفی از روابط سالم و ناسالم ارائه می‌شود.

در این نوشتار سعی بر این است تا عوامل زمینه ساز در ایجاد روابط ناسالم میان دختر و پسر مورد بررسی قرار گیرد. این عوامل را می‌توان در چهار بخش طبقه‌بندی کرد:

### ۱- عوامل درونی و روانی: این عوامل به شرط وجود سایر عوامل، می‌تواند موجبات برقراری

روابط ناسالم را فراهم نماید. تفاوت در حالات روحی و روانی و اخلاقی دختران و پسران و علایق و خواسته‌های آنان می‌تواند باعث بروز روابط ناسالم میان این دو شود. تفاوت درونی دیگری که می‌توان نام برد قوه شهوت نهفته در نهاد آدمی است که فی نفسه نیروی محرک مثبتی است به این جهت که باعث جذب دو جنس می‌شود و دلیلی است برای رابطه مثبت و زندگی مشترک؛ اما همین نیروی مثبت اگر در جهت نیل به هوسرانی قرار گیرد، تبدیل به بلایی خانمانسوز می‌گردد که نمونه آن در همه جوامع یافت می‌شود.

### ۲- عوامل اجتماعی: عوامل اجتماعی را به دلیل اهمیت خانواده به عنوان یک اجتماع کوچک و

مهمترین اجتماع در رشد و تربیت افراد به دو بخش تقسیم می‌کنیم: الف) عوامل خانوادگی (ب) سایر عوامل اجتماعی

الف) عوامل خانوادگی: خانواده به عنوان اولین کانون رشد و تعالی جوانان در سعادت و شقاوت دختران و پسران نقش کلیدی دارد. اگر خانواده دارای شرایط و احوال خوبی باشد، در امر تعلیم و تربیت فرزند خود موفق خواهد بود. عواملی نظیر بیسوادی، نداشتن آگاهی کافی از روشهای تعلیم و تربیت و عدم ارتباط مناسب والدین با یکدیگر می‌تواند دلیلی برای بروز روابط ناسالم میان دختران و پسران باشد.

ب) سایر عوامل اجتماعی: علاوه بر عوامل خانوادگی تاثیرگذار بر روابط دختر و پسر، سایر عوامل اجتماعی نیز در سطحی فراتر بر روند رفتار و روابط آنان تاثیر می‌گذارد. بافت جامعه از لحاظ آداب و رسوم و عادات غالب مردم در قومیت‌های مختلف و همچنین روابط مردم در طبقات مختلف جامعه، باعث ایجاد تفاوتها و چالشهای میان افراد شده و زمینه ایجاد یک روابط ناسالم را بوجود می‌آورد.

۳- عوامل اقتصادی: عوامل اقتصادی را اگر به صورت یک طیف در نظر بگیریم، دو سر این

طیف از یک سو فقر و در سوی دیگر ثروت می باشد. هر دوی این اوضاع در تجربیات گوناگون نشان داده که در بیشتر مواقع، دارای عدم روابط سالم است. البته استثنائاتی هم وجود دارد، اما آنچه مسلم است، این است که در همه جوامع، از جمله عوامل مهمی که باعث ترویج فساد و فحشا می شود، فقر است. و همچنین گروهی از افراد که دارای ثروت و توانایی مالی زیادند، در صورت وجود سایر عوامل، دارای روابط ناسالمی خواهند بود.

۴- عوامل فرهنگی: با دقت در فرهنگ حاکم بر جوامع مختلف در می یابیم که تفاوت‌های زیادی

میان این فرهنگ‌ها وجود دارد و هر کدام از آنها تعریفی از رابطه سالم و ناسالم ارائه داده اند، اما آیا تعریف سالم بودن یک رابطه دلیل بر عدم وجود رابطه ناسالم است؟ مثلاً در جوامعی که حتی داشتن روابط جنسی میان دختران و پسران به شرط وجود رضایت دختر، یک امر عادی و غیر جرم محسوب می شود، آیا به صرف جرم نبودن این روابط، می توان بر سالم بودن آن صحنه گذاشت؟ از سوی دیگر جوامعی که این روابط در آنها جرم محسوب می شود و قطعاً از نظر فرهنگی، عملی ناشایست است، راه‌های جایگزینی را برای ایجاد رابطه صحیح و سالم میان دختران و پسران بوجود می آورد؟ در مجموع می توان گفت برای اینکه بتوان از ایجاد روابط ناسالم جلوگیری کرد، باید عوامل فرهنگی تاثیرگذار را تشخیص داده و البته باید نوع و تفاوت فرهنگ‌ها را در این راه مد نظر قرار داد.

### روابط عاشقانه دختر و پسر

نوشتار حاضر تحت عناوین زیر سامان یافته است ؛

#### الف ( تعریف عشق

نویسنده پس از آنکه از قول مولانا و محی الدین عربی می آورد که هر کس عشق را تعریف کند ، آن را نشناخته است ، تعریف مرحوم دهخدا از عشق را آورده و نهایتاً سخن سهروردی را نقل می کند که عشق افراط الحب ( محبت شدید ) است . نکته مهمی که در ارتباط عاشقانه بین دختر و پسر مفید و قابل

توجه است اینکه از نگاه ابن مسکویه رازی ، عشق افراط در محبت است و از دوستی خاص تر و محدودتر است و عشق جز بین دو نفر امکان ندارد .

اما عشق از سوئی « شیفتگی » که محبت شدید اما یک طرفه است متمایز است و از سوئی دیگر : عشق از « هوس » که ترابط بین افراد فراوان است ، متمایز می شود . کلام و نگاه عاشقانه ، صادقانه و خالصانه است اما کلام و نگاه هوس آلود مبتنی بر دروغ ، ریا و نفاق است . محور عشق ، دگر خواهی است و محور و مدار هوس ، خودخواهی و ...

در این مقاله بدون بحث از حسن و قبح عشق ، عشق در معنای محبت شدید بین دو فرد بعنوان یک واقعیت ( Fact ) بیرونی و برخی ابعاد و اوصاف و شرایط آن مورد توجه و بحث قرار می گیرد .

### ب ) اقسام عشق

عشق در یک معنا به دو قسم حقیقی و مجازی تقسیم می شود . در عشق حقیقی ، محبوب خداوند و صفات و افعال اوست و لکن در عشق مجازی محبوب و معشوق ، ظواهر دنیوی است و رابطه عاشقانه دختر و پسر نیز از اقسام عشق مجازی و از مصادیق عشق زمینی محسوب می گردد.

از نگاهی دیگر مجموعه روابط عاشقانه زن و مرد در چهار شکل « عشق مرد به مرد ، مرد به زن ، زن به زن ، زن به مرد » خلاصه می شود . در روابط دختر و پسر یک شکل ( یعنی عاشق پسر و معشوق دختر ) بسیار کثیرالمصداق تر و متداول تر است ، زیرا ؛

اولا : زن از مرد و به تبع آن دختران از پسران زیباترند و زیبایی نیز عشق آفرین است . از آنجا که زنان و دختران در مقایسه با مردان و پسران عموماً و غالباً زیباترند و در نتیجه مجذوب ، محبوب و معشوق پسران واقع می شوند .

ثانیا : شاید در فلسفه چنین زیبایی برای دختران در مقابل پسران بتوان گفت که خالق آدمیان ، از آن رو جنسی را بر جنس دیگر ترجیح داد که توازن بین این دو جنس در بعد « جسمی » برقرار گردد . اگر آدمیان دارای سه بعد « قلب و دل » ، « عقل » و « جسم » اند ، غالباً پسران از دختران در حوزه جسمی نیرومند تر و قوی ترند ، اما زیباتر بودن دختران از پسران باعث می شود که پسران با همه قدرت ، ادعا و ... اسیر دختران شوند و در روابط عاشقانه برای آنها فداکاری کنند ...

ثالثاً: هویت جنسی دختر و پسر همسان نیست ( گر چه هویت انسانی برابر دارند ) و چون دختران زیباترند ، اگر زیبایی های خود را نابجا عرضه کنند ، هم ارزان فروخته می شوند و هم ممکن است برایشان خطرساز باشد . از این رو پوشش برای دختران جوان و مؤمنه توصیه شده است و فلسفه حکم حجاب و پوشش را باید در زیبایی دختران نسبت به پسران دید.

رابعا: از آنجا که عشق و زیبایی قرین یکدیگرند و نیز دختران مظهر و نماد زیبایی اند ، از این رو حتی در توصیف و بیان زیبایی معشوق حقیقی نیز از ویژگی های زنان و دختران ( چشم ، ابرو ، لب ، خال ، زلف ، گیسو و ... ) بهره برده اند . چنانچه امام خمینی (ره) در توصیف خالق هستی می سراید :

### ج ( کتمان یا اعلان عشق

در احادیث شیعی « کتمان عشق » مورد توجه قرار گرفته و آمده است : آنکه عاشق گردد ، پس آن را کتمان کند و عقیف بماند و بمیرد ، شهید است . و یا : کسی که عاشق شود و آن را کتمان کند و عقیف بماند و صبر کند ، غفران خدا برای اوست و او را داخل بهشت می کند.

چند نکته از احادیث فوق قابل استنتاج است :

(۱) تعبیر عف یعنی عقیف و پاک بودن عشق ، مربوط به عشق مجازی است و عشق حقیقی آلوده و غیر عقیف نمی تواند باشد . پس مراد از عشق در این روایات ، حداقل عشق مجازی نیز هست .

(۲) این احادیث تصریح ندارند که عاشق ، عشق را از چه کسانی مخفی دارد . پاسخ صحیح تر آن است که فرد عاشق ، عشق خود را نه از معشوق ، بلکه نسبت به دیگران کتمان کند و بپوشاند و پرده دری نکند . این تلقی از آن رو اهمیت دارد که عشق را معارض نیک نامی و قرین با پرده دری می دانند . به قول حافظ :

ای دل اندر عاشقی تو نام نیکو ترک کن      که ابتدای عشق رسوایی و بدنامی است آن

و به قول سعدی :      سعدیا دور نیک نامی رفت      نوبت عاشقی است یک چندی

(۳) تأکید برعشق کتمان شده و قرین با عفاف برای کسب بالاترین درجه و مقام ( رسیدن به مقام شهادت ) ، به معنای مراتب پائین تر و کم امتیاز تر عشق مجازی نیست ، مثلاً اگر عاشقی با رعایت

عفاف ، در رعایت شرط کتمان کاملا موفق نباشد ، گر چه اجر شهید ندارد ، اما معلوم نیست این عشق را بتوان مطرود و مذموم تلقی نمود.

۴) گاهی شکل ظهور و محمل تجلی عشق برای رعایت عشق ، محمل های موجه و مقبول است . مثلا در عین اینکه دختر و پسری سوزها و گدازها ، بی خوابی ها ، آتش ها و .. را واجدند ، اما این معاشقه بین آنها در قالب کار اداری ، علمی - پژوهشی ، فعالیت های اجتماعی و... ظهور و نمود پیدا می کند .

۵) علاوه بر دو راه « بی عشقی و نیک نامی » و « عاشقی و رسوایی و بدنامی » می توان گروه و گزینه سومی فرض نمود که هم عاشق اند و هم با کتمان سر ، نیک نام و سالم می مانند . این نگاه به عشق چقدر با روابط ناسالم هوس آلود که نام عشق بر آن می نهند و در جامعه ما وجود دارد ، متفاوت است .

#### د) علم قبل از عشق و بعد از آن

اگر مرکزی ترین و محوری ترین بحث در روابط دختر و پسر ، عشق و رابطه عاشقانه است - زیرا بنیاد خانواده نیاز به وجود عشق دارد - اما مهم ترین ویژگی عشق ، ارتباط آن با علم و آگاهی است . علم و عشق از دو جهت رابطه دارند : علم پس از عشق و قبل از آن .

علم پس از عشق بدین معنی است که دختر و پسری از شکل گیری رابطه عاشقانه ، نسبت به هم شناخت ، آگاهی و علم پیدا کنند . به تعبیر حضرت امیر در نهج البلاغه ( خطبه ۱۰۹ ) کسی که عاشق چیزی شود ، چشم اش کج و قلب اش مریض می شود و با چشم غیر درست می بیند و با گوش ناشنوا می شنود . علم پس از عشق چندان معتبر و دقیق نیست و چنین رابطه عاشقانه ای اگر در همین سطح بماند ، آسیب پذیر است .

اما علم قبل از عشق ، یعنی قبل از آنکه دختر و پسری به یکدیگر دل بسپارند ، باید آگاهانه و با شناخت و علم از یکدیگر به هم نزدیک شوند . اگر رابطه عاشقانه متکی به آگاهی های لازم فردی و اجتماعی مخاطب باشد ، این رابطه به زودی آسیب نمی بیند و در صورت تأسیس خانواده به تبع آن نیز ، این خانواده پایدار و آرام و ماندگار خواهد بود.

## هـ) نتیجه گیری

۱) در یک نگاه می توان گفت که دختر و پسر برای یکدیگر خلق شده و در کنار هم مکمل یکدیگرند. ولی برای اینکه این تعامل شکل سالم بگیرد، اولاً: باید در قالب عشق باشد و از این دوستی های ناسالم و ارتباطات فاسد رهایی پیدا کنیم. ثانیاً: باید بدانیم که سالم ترین ارتباطات دختر و پسر در فضای خانواده ثمر داده و نمود می یابد. از این رو بهترین رابطه عاشقانه دختر و پسر، آن شکلی است که منتج به نهاد مقدس خانواده شود؛ از نیازهای دختران و پسران، نیازهای جنسی است و مدعا آن است که تنها یک دختر و یک پسر در قالب موجه و مشروع می توانند نیاز جنسی خود را برآورده نمایند و این بستر مناسب، خانواده است.

۲) جدای از نگاه های مذموم امثال امام محمد غزالی و ملامحسن فیض کاشانی به عشق، می توان گفت که بهترین و عمیق ترین غذای دل، عشق است. اما باید به قول دکتر علی شریعتی بین عشق و ایمان پل زد تا از آفات آن مصون ماند. شریعتی ایمان بی عشق را زندانی پر از زنجیر و غل و بند می داند که روح را می میراند و دل را ویرانه می سازد. (گفتگوهای تنهایی، ص ۸۶).

همان گونه که عشق بی ایمان آسیب زا است، در آسیب شناسی روابط عاشقانه دختر و پسر باید توجه داشت که عشق مبتنی بر جهل و عدم آگاهی و صرفاً متکی بر احساس نیز سوزنده است و ممکن است منجر به شکست در روابط عاشقانه شود. از این رو هرگز نباید به داده های محصول عشق بسنده نمود و پیش از ورود به فضای عشق، نباید آن را آسان گرفت که به قول حافظ:

الا یا ایها الساقی ادر کاسا و ناولها      که عشق آسان نمود اول، ولی افتاد مشکل ها

## ارتباط، علل، دلایل و راهکارها

نوشتار حاضر در سه بخش، تحت عناوین زیر سامان یافته است:

الف) مدخل بحث

(۱) از دلایل انحراف در ارتباطات اجتماعی، فقدان مباحث تئوریک و عدم معرفی الگوهای مناسب و قابل تقلید از سوی نخبگان فکری، فرهنگی، حوزوی و دانشگاهی است. این مقاله در یک نگاه عقلی به تعلیل ارتباطات بین دو جنس مخالف پرداخته و با تقسیم مجموعه عوامل به دو دسته «علت» و «دلیل» نکاتی را در رابطه با هر یک به بحث گذاشته است. در انتها نیز برای پیشگیری از خطرات فراراه و چاره جویی مشکلات و دردهای موجود، نکاتی مطرح گردیده است.

(۲) مجموعه ارتباطات دختران و پسران را می توان در یک دسته بندی دقیق و منطقی، به دو قسم هویت نوعی و صنفی تقسیم نمود:

۱-۲) هویت نوعی و صنفی: هویت هر فرد در یک مبنا به سطح هویت شخصی، فکری و روحی قابل تقسیم است و در مبنای دیگر به دو سطح هویت فردی و جمعی تقسیم می شود (۱). در این مقاله هویت به دو سطح نوعی و صنفی تقسیم می شود.

منظور از هویت انسانی (نوعی) آن خصوصیتی است که دختر و پسر را به عنوان انسان در بر می گیرد و از سایر حیوانات و موجودات متمایز می کند. اما در هویت صنفی (جنسی) به دنبال بیان ممیزات دختران از پسران هستیم.

۲-۲) زن و مرد در هویت انسانی (نوعی) مشترک اند. وجه ممیز انسان از حیوانات و موجودات دیگر نیز عقل است (۲). از نتایج اشتراک دختر و پسر در هویت انسانی آن است که عقلانیت، علم، آگاهی، خلاقیت و نوآوری برای زن و مرد ممکن است. و در این حوزه ها می توانند با هم رقابت کنند و ارتباط داشته باشند.

مدعای دیگر این مقاله آن است که هویت جنسی (صنفی) دختر و پسر و زن و مرد متفاوتند. در نتیجه جسم این دو صنف با هم متفاوت است و رعایت نکاتی در شیوه پوشش و لباس برای هر دو لازم و ضروری است، نگاه آنها فرق دارد و.... بحث حجاب دختران نیز با بحث زیبایی آنها و لزوم حفظ زیبایی و عدم سوء استفاده دیگران از آنها و عدم عرضه ارزان زیبایی زنان قابل توجیه است (۳).

۳-۲) بحث ارتباط دختر و پسر با ارتباط زن و مرد از جهت منطقی، موارد و مصداقها رابطه عام و خاص مطلق دارد.

۲-۴) مراد از دختر و پسر، ارتباطات دختر و پسر در مقابل والدین و ... یا دختر و پسر خردسال در مقابل هم نیست، بلکه اولاً در بحث ارتباط دختر و پسر، جوهره و گلوگاه بحث به هویت جنسی و حوزه افتراقات دختر و پسر باز می‌گردد و نه هویت انسانی و اشتراکات. ثانیاً آنچه در روابط دختر و پسر مسئله ساز و بحران‌آفرین است، روابط آنها حین و پس از بلوغ و عصر مجردی و قبل از تاهل و ازدواج است. (نوجوانی و جوانی)

۲-۵) تقسیم هویت به انسانی و جنسی اعتباری است. اگرچه نگارنده معتقد است در حیطة هویت انسانی تعامل و ترابط، بلامانع است اما رعایت حدود و قیودی برای اینکه این ارتباطات از آفتها و آسیبها مصون بماند، ضرورت دارد.

### ب) علل و دلایل روابط دختر و پسر

هر پدیده از سه منظر قابل توجه و بررسی است؛ مقام توصیف، مقام تعلیل و مقام تجویز و توصیه. رابطه دختر و پسر نیز از هر سه منظر یادشده قابل بررسی و مطالعه است. در مقام توصیف میتوان از وضعیت موجود روابط دختر و پسر توصیفات فراوان ارائه داد، که این روابط گاه حتی به صورت نامطلوب وجود دارد.

در مقام تعلیل باید چرایی ارتباط دختر و پسر مورد مذاقه قرار گیرد. تا بر اساس آن ببینیم که در مقام تجویز چه باید کرد. در این قسمت عوامل موثر بر ارتباط دختر و پسر تعلیل می‌گردد. مجموعه عواملی که به عنوان «متغیر مستقل» می‌توانند بر مسئله ارتباط دختر و پسر به عنوان «متغیر وابسته» تاثیر بگذارند به دو دسته «علت» و «دلیل» قابل تقسیم اند:

#### ۱) علل روابط دختر و پسر

روابط دختر و پسر، در همه موارد متکی به علاقت و گزینش و به عنوان گزینه مطلوب نیست، بلکه در بسیاری از موارد علل دیگری باعث ارتباط دختران و پسران می‌باشد. مثلاً اگر در خانواده و یا دانشگاه و ... با محدودیت جدی مواجه باشد، ممکن است از خانه بگریزد و به هر بزه و جرم تن در دهد و به روابط ناسالم در باندها کشانده شوند. این گونه ارتباطات بیش از آنکه دلیل داشته باشند، علت دارند.

از جمله نیازهای آدمی نیاز تعلق و محبت است اگر دختر و پسر دانشجویی با حضور در تشکل های دانشجویی دیگران او را نپذیرند و دوست نداشته باشند و این نیاز پاسخ مناسب نیابد (خلاف عاطفی را هم به این مورد اضافه کنیم) ممکن است به جنس مخالف پناه ببرد و از این طریق حتی اگر ناصواب باشد پاسخ بگیرد. اینجاست که این ارتباط روابط دختر و پسر بیشتر علت دارد تا دلیل، و اینجاست که در آسیب شناسی روابط دختر و پسر حتما باید به این نکته که این ارتباطات از کجا منشا گرفته و خاستگاه آن کجاست و در صورتی که به عللی (مثلا خلاء محبت در خانواده، به رسمیت شناخته نشدن در خانواده، اذیت شدن در کنکور، فقر اقتصادی، سخت گیری پدر و مادر، عقده های روانی ایجاد شده در مدارس، خلاء آرایه الگوی مناسب، کم کاری مشاوران تربیتی و روان شناختی آموزش و پرورش و وزارت علوم، برخوردهای متحجرانه و ناپخته نیروهای مذهبی و ...) دختران به پسران و پسران به ارتباط با دختران پناه می آورند آن علل ریشه یابی شده و رفع شود. در غیر این صورت، تا علت هست معلول نیز وجود خواهد داشت.

## ۲) دلایل روابط دختر و پسر

دلایلی همچون تحصیل و دادو ستد های علمی، نیاز به طرح پرسش و پاسخ، کمک گرفتن جزوات و منابع درسی، جهات شغلی و فعالیت های مادی، همکاری شدن دختر و پسر و ... باعث می شود که نتوان به طور کلی به عدم ارتباط کاری و سازمانی یا تحصیل زن و مرد و دختر و پسر حکم داد. البته این مدعا به معنای وجود هر گونه ارتباط لجام گسیخته در محل تحصیل، دانشگاه و محیط کار نیست. ارتباط دختر و پسر در همه حوزه هاو مصادیقی که به هویت انسانی بر می گردد، در جهان امروز یک ضرورت است و در دفاع از آن می توان اقامه دلیل نمود. ارتباطی که با آفت زدایی و آسیب شناسی لازم، حدود و ثغور آن از کارتحصیلی، به صورت قانونی و حقوق، مدون و مضبوط شود.

اما حداقل دلیل در ارتباط دختر و پسر و ضرورت آن، رسیدن به نهاد خانواده از مجرای ازدواج است و این ارتباط البته مربوط به حوزه های هویت جنسی است. پس برای آسیب شناسی این روابط در حیطه های هویت جنسی، چند نکته قابل توجه اند:

اول: ارتباط دختر و پسر برای ازدواج، در صورتی که شرایط ازدواج فراهم نباشد، از سویی باعث هدر رفتن انرژی دو فرد و مانع تحقق آرمان های بلند یک جوان می شود و از سوی دیگر مساله ساز بوده و ممکن است پس از پاسخ منفی یک طرف برای ازدواج، طرف دیگر دچار بحران روحی و فکری شود.

دوم: گر چه ازدواج امری لازم و ضروری است، اما به طی شدن مراحل عادی، شفاف و روشن ( نه ارتباطات مخفیانه و پنهانی) نیاز دارد، در غیر این صورت گاهی دختر و پسر فقط در دامی که از سوی دیگری پهن گردیده می افتد. و ارتباط با جنس مخالف، جز استرس و نگرانی و خطر، چیزی برای او در پی ندارد.

سوم: ارتباط دختر و پسر حتی در حوزه های جنسی، ضرورت و لازم است و حداقل توجیه آن بقای نسل است، اما نکته اساسی آن است که ارتباط و تلذذ جسمی دو جنس مخالف از هم، فقط به یک فرد و یک جنس مخالف منحصر می گردد و نگارنده با مبنای عشق بین زوجین، با تعدد زوجات مردان به صورت اصل و قاعده مخالف است ( رجوع شود به کتاب مساله زن، اسلام و فمینیسم، ص ۱۸۴-۹).

اگر شرایط ازدواج برای دختر و پسری فراهم نباشد، ارتباط آنها در حیطه های جسمی، نگاه های مریض، حرف های نابجا و... باعث می شود اینگونه افراد حتی پس از ازدواج نیز به این عادات غلط و حرکات نامعقول ادامه دهند، خود و دیگران را دچار خطر و بحران سازند.

چهارم: از جمله دلایل ارتباط دو جنس مخالف، وجود گزینه شهوت در آدمیان است. اما از تفاوت های انسان از حیوانات آن است که انسان علاوه بر غرایز، دارای عقل، اراده، انتخاب، اختیار و... است و این قابلیت را دارد که غرایزش را تعدیل کند، کنترل نماید و جهت دهد(۱). پس گر چه در حیطه هویت جنسی نیز ارتباط دختر و پسر مطلقا نفی نمی گردد، ولی به ارتباط بسیار محدود و حساب شده می رسیم که بهترین مجرای آن در جامعه ما، نهاد خانواده است که از مسیر ازدواج میسر می گردد. البته برای چنین اقدامی، دلیل نیز اقامه می کنیم. چنین ارتباطی نیاز بشری و غریزی و درونی است، شرط بقای نسل است، از نیازهای اساسی است و ...

## ج) روابط دختر و پسر در مقام تجویز

در این بخش و در مقام توصیه و تجویز، به اینجا می‌رسیم که رعایت چه نکاتی در موضوع ضرورت دارد و حیاتی است تا از آسیب‌های احتمالی روابط دختر و پسر، مصون بمانیم. نکات عمده راهکارهای جلوگیری از خطرات و آفات عبارتند از:

۱- رعایت بهداشت، نظافت و توجه به آرایش‌ها و پیرایش‌ها، خصوصاً برای نسل جوان در اصل مطلوب و لازم است. دختر و پسر به جای اینکه خود را ارزان در معرض دید دیگران قرار دهند، می‌توانند با کسب توانایی‌های علمی، عقلی، روحی، قلبی و با ارائه آثار هنری، مقالات علمی، پیشرفت تحصیلی، توانایی‌های رزمی و ... خود را مطرح نموده و با استحکام در جامعه ظاهر شوند. از راهکارهای آفت‌زدایی در تعامل بین دختر و پسر، توجه به نوع پوشش و آرایش و شیوه رفتار و مواجهه با دیگران است و سعی و تلاش بر اینکه خودشان را از طریق صحیح ثابت کنند و روابط سالم دو جنس را با حرکات غلط تخریب نکنند.

۲- در ارتباطات سالم بین دختر و پسر که عمدتاً مربوط به حیطه‌های هویت انسانی است، ضرورتی به ارتباط پنهانی و تنهایی نیست و برای پرهیز از آسیب‌ها، مناسب است که تعامل علمی، شغلی و ضروری دختر و پسر در انظار جمع و محافل عمومی باشد. حتی ارتباطات در حوزه هویت جنسی که مقدمات ازدواج و زندگی مشترک باشد نیز باید با اطلاع خانواده‌ها و به صورت مشروع، صحیح و قانونی تعقیب شود.

۳- از آنجا که در فرهنگ ایرانی و در جامعه ما، دختر آسیب‌پذیرتر از پسر است، لذا عقل اقتضا می‌کند که دختران احتیاط‌ها و دقت‌های بیشتری را در تعامل با مردان و جنس مخالف حتی در حوزه‌های هویت انسانی داشته باشند. از سوی دیگر اگر دختران در امور تخصصی، فنی، علمی و ... جنس خودشان را ترجیح دهند (مثلاً در صورت وجود پزشک زن، به پزشک مرد مراجعه نکنند) به صورت عمیقی به تثبیت هویت جنسی زنان و تقویت حضور زنان در عرصه‌های مختلف کمک کرده‌اند.

۴- در مواردی که ارتباط لازم و ضروری است، باید دختر و پسر از شرم افراطی، هیجان‌زدگی، پرخاشگری و افراط در معاشرت بپرهیزند و با شناخت واقعی از جنس مخالف و نیز با کنترل خونسردی و

صلابت شخصیت، برخورد مبتنی بر احترام و اخلاق را با مراعات حدود شرعی از خود بروز دهند. البته کسب این توانایی و بلوغ در معاشرت، با تذکر، آموزش و تمرین این قابلیت، روزافزون می شود.

۵- اگر روابط دختر و پسر می تواند مطلوب یا نامطلوب باشد، در مقابل مشاهده روابط نامطلوب

در ترابط دختر و پسر، سکوت، انفعال، بی تفاوتی و یا همراهی، خطرناک و حتی فاجعه انگیز است. حال آنکه باید فعال و حساس بود و برای حفظ خود و سلامت روحی خویش، در مقابل روابط ناصحیح دو جنس از مجاری صحیح، عکس العمل مناسب نشان دهیم. چه بسا فردی با تذکری به راه صواب بازگردد.

۶- دوستی های عمیق بین دختر و پسر که به عشق منتهی و به ازدواج ختم می شوند، نمی توانند

محصول روابط خیابانی و دوستی های اتوبوسی و دفعی بین دختر و پسر باشد. زیرا برای ازدواج و زندگی مشترک، شناخت های عمیق لازم است که با این دوستی های ناصحیح بدست نمی آید. از این رو از اینگونه روابط به شدت باید پرهیز کرد.

۷- دختران و پسران جوان که می خواهند آگاهانه آینده زندگی خود را رقم بزنند و از سویی

می خواهند منزوی و غیرفعال و غیراجتماعی نباشند، از هر گونه دام و خطر و آسیب بپرهیزند، چرا که بی دقتی در ارتباط با جنس مخالف ممکن است به تحصیل، موقعیت شغلی، آبروی فرد، موقعیت اجتماعی و خانوادگی و ... آسیب وارد کند. از این رو بهتر است مجموعه ارتباطات دختران و پسران با دیگران، سطح بندی و دسته بندی شود که در یک تقسیم «ثنایی» به دو سطح قابل تقلیل است؛

اول، ارتباط با بستگان که خود دو سطح دارد:

الف) ارتباط با محارم (پدر، مادر، خواهر، برادر، عمو، دایی، خاله، عمه و...)

ب) ارتباط با غیرمحارم (پسردایی ها، پسرعموها، پسرخاله ها و ... و دختردایی ها، دخترعموها،

دخترخاله ها و...)

دوم، ارتباط با غیربستگان از جنس مخالف که خود حداقل دو سطح دارد:

الف) روابط ضروری (مثل روابط شغلی، اداری، تحصیلی و...)

ب) روابط غیرضروری (مثل روابط دختران و پسران در کوچه، محله، پارک، سینما و ...)

نکته مهم آن است که در تعیین حدود و شیوه تعامل بین دختر و پسر، باید به هر چهار سطح توجه داشته باشم تا روابط صحیح از ناصحیح شناخته شوند. شاید بتوان ادعا نمود که بخشی از روابط ناصواب دختر و پسر در جامعه ما، به فقدان اطلاعات صحیح نسل جوان از میزان مجاز بودن یا نبودن، سطوح مختلف افرادی که درمقابل او هستند، عدم ارائه آموزش برای مواجهه با جنس مخالف و فقدان نهادهایی برای تربیت نمودن نسل جوان برای تعامل با دختران و یا پسران برمی گردد.

### فهرست منابع:

دکتر محمد منصور نژاد

دکتر رسول فرشادی

<http://www.dokhtar-pesar.com>